

رویکردی تطبیقی به مسئله «تثلیث» از منظر قرآن کریم، کتاب مقدس و ارباب کلیسا

نویسندگان: اکرم السادات فاطمی حسن آبادی،^۱ دکتر مهدی اسلامی^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹

دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۲

چکیده

مسئله تثلیث از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین اصول اعتقادی جهان مسیحیت است و به واسطه اشکالات عقلی و فلسفی متعددی که این اعتقاد به همراه دارد، عالمان مسیحی با چالش جدی روبرو شده‌اند و همواره در گفتگوهای میان ادیان، از این مسئله به عنوان یکی از مشکلاتی یاد می‌شود که نظام فکری و اندیشه‌ای مسیحیت با آن مواجه است. در به وجود آمدن عقیده تثلیث میان مسیحیان، عوامل فراوانی دخیل بوده است که از جمله آن می‌توان به افکار پولس و فلسفه یونان اشاره کرد. غیر عقلانی بودن تثلیث، امروزه یکی از مناشی انکار دین مسیحیت در میان صاحب‌نظران ادیان مختلف شمرده می‌شود که مراجعه به کتاب مقدس و بررسی شواهد تاریخی و عقلی نشان می‌دهد تثلیث در دوران پس از ظهور حضرت عیسی علیه السلام به اعتقادات مسیحیان افزوده شده است؛ لذا شناخت حقیقت تثلیث و توجیحات پذیرندگان آن در کنار بررسی پیامدهای پذیرش تثلیث از جمله مسائلی است که این پژوهش که با روش کیفی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد علمی انجام شده است، به دنبال کشف آن بود. نتایجی که از این پژوهش تطبیقی حاصل شد، حاکی از رد عقیده «تثلیث» به استناد منابع ادیان توحیدی و استدلال‌های عقلی است که نشان می‌دهد این اعتقاد، الهی نبوده و ریشه در بدعت‌هایی دارد که به دین مسیحیت اولیه وارد شده است.

واژگان کلیدی: تثلیث، قرآن کریم، کتاب مقدس، ارباب کلیسا

مقدمه

کتاب‌هایی که به نظر کلیسای مسیحی مقدس شمرده می‌شوند، مفهوم کتاب مقدس را شکل می‌دهند که به دو بخش تقسیم می‌شود: وصایای قدیم و وصایای جدید و قسمت اخیر با چهار انجیل شروع می‌شود. این بخش علاوه بر انجیل‌ها شامل اعمال رسولان و چندین رساله دیگر است که آن‌ها نیز به رسولان منسوبند و سرانجام به رساله مکاشفه یوحنا یا آپوکالیپس ختم می‌شود.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن دانشگاه مجازی المصطفی صلی الله علیه و آله، akramfatemi66@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه امام صادق علیه السلام، mehdiislami2010@gmail.com

در تقسیم‌بندی کتاب مقدس، قسمت اول به عهد قدیم و قسمت دوم به عهد جدید مشهور است که عهد قدیم معروف، حاوی ۳۶ کتاب و رساله است و مسیحیان تدوین آن را به پیغمبران یهودی از دوران حضرت موسی علیه السلام تا زمان حضرت عیسی علیه السلام نسبت داده‌اند. هم‌چنین، عهد جدیدی که مسیحیان معروف جهان آن را باور دارند، دارای ۲۷ کتاب یا نامه مختصر است و مسیحیان تدوین قسمتی از آن را به شاگردان حضرت عیسی علیه السلام و قسمت دیگر را به رهبران دوره‌های اول مسیحیت استناد می‌دهند.

مطابق با یک تقسیم‌بندی دیگر، عهد جدید را به دو بخش زیر نیز می‌توان طبقه‌بندی نمود:

۱. اسفار تاریخی؛ شامل «متی»، «مرقس (مرقس)»، «لوکا (لوقا)»، «یوحنا» و «کردار پیغمبران (اعمال الرس)»

۲. اسفار علمی؛ شامل قسمت دیگر عهد جدید که عبارت است از نامه‌های پیشوایان صدر مسیحیت و از آن رو که احکام قسمتی از عقاید مسیحیان در آن بیان شده، اسفار یا فصول علمی نامیده می‌شود که عبارت از نامه‌های پولس^۱ در مقام بنیانگذار مسیحیت معاصر است. (آل اسحاق خوئینی، ۱۴۰۵: ۳۳۳-۳۳۲)

به طور کلی، کلیسای مسیحی مجموعه رسالات کتاب مقدس با عنوان میثاق قدیم و جدید را «بیبِل» می‌نامد که از کلمه یونانی «بیبِلوس» به معنی کتاب گرفته شده است. ببیل حاوی معتقدات و اصول مذهبی مسیحیان است که «کانن» نامیده می‌شود و در زبان یونانی به معنای مقیاس است و از این نظر، ببیل را می‌توان ترازوی معتقدات مسیحیان دانست. (آشتیانی، ۱۳۹۰: ۱۴)

بنابراین، کتاب مقدسی که نزد مسیحیان وجود دارد از عهد قدیم و عهد جدید تشکیل یافته است که عهد قدیم شامل تورات و برخی رساله‌های گوناگون است و عهد جدید که مشتمل بر اناجیل چهارگانه «متی»، «مرقس»، «لوقا» و «یوحنا» و نیز کتاب اعمال رسولان و نامه‌های متعدد و مکاشفه یوحنا است که با توجه به توضیح بیان شده، در این مقاله تلاش می‌شود با تمرکز بر «تثلیث» به تبیین این مقوله در قرآن کریم، کتاب مقدس و نزد ارباب کلیسا پرداخته شود؛ اما پیش از ورود، لازم است ربط و نسبت برخی مفاهیم منطوی در مسیحیت که مرتبط با این مقوله به مثابه مدخلی برای تبیین بحث است، آشکار شود.

۲. سازمان مسیحیت و شعائر آن

مسیحیت به سه فرقه بزرگ کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان تقسیم شده‌اند. مهم‌ترین فرقه موجود مسیحی، فرقه کاتولیک است و سپس فرقه‌های ارتدوکس و پروتستان هستند. غیر از این سه مذهب بزرگ، مذاهب دیگری در دامان مسیحیت پدیدار شدند که شمار آن‌ها به ۱۵۰ فرقه و مذهب می‌رسد. امروزه بزرگترین مذهب مسیحی، کاتولیک است که پاپ^۱ پیشوای آن است. (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۷۸۴) هم‌چنین حدود ۳۶۰ فرقه در مسیحیت وجود دارد که هر یک دارای عقاید خاصی هستند و نسبت به یکدیگر تعصب دشمنانه دارند. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۳: ۲۴۱)

مطلب دیگر، مناسک و شعائر اصلی مسیحیت است که به اجمال اشاره می‌شود:

- تعمید (بپتیزم)؛ عبارت از غسل و شستشوی مقدس است (فضایی، ۱۳۶۱: ۲۵۸) و به عنوان تطهیر از گناه است که در دین اسلام توبه نامیده می‌شود. این عمل برای آمادگی فرد مسیحی جهت شرف و دخول به ملکوت خدایی انجام می‌شود.
- عشای ربانی؛ مهم‌ترین مناسک و شعائر دین مسیح به شمار می‌رود و عبارت است از خوردن نان و آشامیدن شراب که به یاد زنده کردن پیمان خود با مسیح انجام می‌شود و منشأ آن خوردن نان و شرابی است که معتقدند مسیح در آخرین شب زندگی خود با حواریون انجام داد. این رسم هر یکشنبه میان مسیحیان اجرا می‌شود؛ ولی بعدها اجرای آن در هر هفته تعطیل شد و اکنون هر سال یک بار انجام می‌گیرد.
- آیین و مراسم ورود نوبالغان به جرگه مسیحیان و عضویت در کلیسا؛ مطابق این آیین، نوبالغان نزد کشیش محل می‌روند و طلب آموزش می‌کنند و ایمان و پیمان خود را نسبت به مسیح و تعالیم او تحکیم می‌نمایند و در نتیجه حق شرکت در مراسم عشای ربانی می‌یابند. (شاله^۲، ۱۳۴۶: ۴۵۲)
- اعتراف به گناه و اظهار توبه و استغفار از گناهان؛ برای هر مسیحی اعتراف به گناه نزد کشیش، واجب است. البته این آیین میان پروتستان‌ها مرسوم نیست. (مولند^۳، ۱۳۶۸: ۷۰)
- تدهین؛ تشریفاتی است که کشیش با دعاهای ویژه و با روغن زیتون مقدس، شخص محتضر را آماده زندگی اخروی می‌سازد.

1. Pope
2. Challaye
3. Molland

در کنار این مناسک و شعائر، بیان این مطلب لازم است که اعتقاد به سلسله مراتب و درجات روحانیان مسیحی و احترام به مقامات روحانیان از پاپ تا کشیشان ساده محلی، از ضروریات دین مسیح است. (نوذری، ۱۳۷۵: ۵۳-۵۲)

مفهوم‌شناسی «ثلیث»

قرآن کریم در تبیین رویکرد توحیدی و خطاب به اهل کتاب می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛

(آل عمران، ۶۴) بگو ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر اعراض کردند، بگویند شاهد باشید که ما مسلمانیم.

واژه ثلیث^۱ از ریشه لاتین «تری.نی.تاس» گرفته شده است. این واژه در مسیحیت، مبین دکترین خدا به صورت پدر، فرزند و روح است. جیمز هاکس^۲ مبلغ مسیحی، ثلیث را این‌گونه تشریح می‌کند:

طبیعت خدایی از سه اقنوم متساوی الجواهر می‌باشد؛ یعنی خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس. خدای پدر خالق جمیع کائنات است به واسطه پسر و پسر، فادی و روح القدس پاک کننده است؛ اما باید دانست که این هر سه اقنوم را یک مرتبه و عمل است. (هاکس، ۱۳۹۴: ۳۴۴)

1. Trinity
2. James Hawkes

شهرستانی نیز درباره تثلیث می نویسد:

مسیحیان برای خدا اقانیم سه گانه را قرار دادند و گفتند باری تعالی جوهر واحدی است؛ یعنی قائم به نفس است، حجم ندارد و در مکان قرار نمی گیرد. پس او از نظر جوهر واحد است و از نظر اقوم سه تاست و منظور از اقوم، صفات است. صفاتی چون وجود، علم و حیات؛ یعنی «أب»، «ابن» و «روح القدس» که در این میان فقط علم تجسد پیدا کرد. (شهرستانی، ۱۳۳۵، ج: ۱، ۲۸۵)

مسئله تثلیث در بسیاری از ادیان و مذاهب قبل از مسیحیت نیز رایج بوده است؛ به عنوان مثال می توان به براهمه، ایرانیان، مصریان، یونانیان، وثنیان رومی و کلدانیان اشاره کرد؛ (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج: ۶، ۵۶۷) البته تثلیث نزد آنان به معنایی که نزد مسیحیان مشهور است، مطرح نیست. در آیین هندو بزرگترین و مشهورترین عبادات، سه گانه پرستی است. در این آیین، سه خدا که به زبان سانسکریت «تویمورتی» است، پرستش می شود که از این قرارند:

- برهما؛ خدای خلقت و آفریدگار کل
- شیوا؛ خدای مرگ و مهلک کل
- ویشنو؛ خدای زندگی و حافظ کل

برهمنان بر این عقیده اند که وجود مطلق و نفس کلی برهمن - آتمن در سه مظهر ظهور کرده و در این سه خدا متجلی گشته است که هر یک به عملی و کاری مخصوص خود مشغول هستند. (ناس، ۱۳۹۲: ۲۷۶)

اقانیم ثلاثه

از جمله تعابیری که ارتباط مستقیم با تثلیث دارد، اصطلاح «اقانیم ثلاثه» است که لازم است هر یک از این سه اقوم به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد تا چگونگی اعتقاد به تثلیث و خداانگاری این سه آشکار شود.

اقنوم از ریشه‌های یونانی و به معنای راه وجود است؛ یعنی سه راه برای وجود و عمل خدا. این اقانیم عبارتند از آب، ابن و روح القدس.

أب در زبان عربی به معنای پدر است و در فرهنگ میسحیت، نامی است برای خداوندی که ابدی و ازلی و خالق جهان است. او خدایی است که از ازل سرنوشت جهان را تعیین نموده است.

نام او در عهد عتیق «یهوه» است. (ناس، ۱۳۹۲: ۲۷۶) برخی با استناد به متن عهد عتیق بر این عقیده‌اند که یهوه، تنها پدر گروهی از انسان‌ها است.

رابرت هیوم^۱ پژوهشگر تاریخ ادیان، در این باره می‌نویسد:

در عهد عتیق، تسمیه مشخص خدا یهوه است. در ۲۸ جای تورات این تعلیم صریح یا ضمنی که خداوند هم‌چون یک پدر است، به چشم می‌خورد. با این وجود او تنها پدر یک گروه، نظیر بنی اسرائیل و یا پدر کسانی که از او می‌ترسند، است. (مزامیر، ۱۰۳: آیه ۱۳) در کتاب تورات حتی یک مورد هم به چشم نمی‌خورد که گفته باشد خداوند پدر همگانی تمام افراد بشر است. (هیوم، ۱۳۹۱: ۳۵۳)

مسیح از خداوند با نام پدر آسمانی یاد می‌کند و خطاب به شاگردان فرمودند: هنگامی که دعا می‌کنید، بگویید ای پدر ما که در آسمانی! نام تو مقدس باد. (متی، باب ۶: آیه ۹) در برخی از اشارات از زبان مسیح به جای حکومت خدا، دولت پدرم بیان می‌شود. (متی، باب ۲۹: آیه ۲۶) برخی از محققین بر این عقیده‌اند که مسیح در تمثالات و برخی تعابیر خود برای تجلی دادن نهایت رأفت و رحمت الهی، در مقابل بد آموزی‌های یهود که خدا را بهانه‌گیر و انتقام‌جو معرفی می‌کردند، از ذات الهی به پدر تعبیر می‌کند. (نوری، ۱۳۶۳: ۸۵)

اصطلاح پدر برای خدا در بسیاری از ادبیات باستانی به کار می‌رفته است. در یونان و روم، زئوس و در هند دئوس پدر نامیده می‌شود. در مصر، فرعون پسر خدا نام داشت و اغلب تجسم خدا معرفی می‌گردید. بسیاری از شاهان قدیم خود را پسر خدا و گاهی خود خدا می‌نامیدند. لقب خدا برای توجیه رحمت و محبت او به کار می‌رفته است؛ همان‌گونه که در اناجیل، اغلب از زبان مسیح، خداوند به عنوان پدر خطاب شده است.

مسیحیان کنونی معتقدند پسر خدا بودن را مسیح ادعا کرده است. او نه فقط در محاکمه خود در شورای یهود؛ بلکه بارها قبل از محاکمه، این ادعا را مطرح نموده بود و معمولاً خدا را پدر من خطاب می‌کرد. مهم‌ترین دلیل بر این اعتقاد را سخنان خدا هنگام تعمید مسیح بیان می‌کنند که فرمود: تو پسر حبيب من هستی که از تو خشنودم. (مرقس، باب ۱: آیه ۱۱) در اعمال رسولان نیز بارها مسیح پسر خدا نامیده شده است. (میلر، ۱۹۸۱: ۴۶)

برخی دانشمندان مسیحی با آیاتی که در آن‌ها عیسی خود را مالک روز سبت (متی، باب ۱۲: آیه ۸) و نان حیات (یوحنا، باب ۶: آیه ۳۵) معرفی می‌کند و یا می‌گوید: هر کس به من ایمان آورد، اگر مرده باشد زنده می‌گردد و هر کس زنده باشد و به من ایمان آورد، تا ابد نخواهد مرد (یوحنا، باب ۱۱، آیه ۲۵) و یا این‌که من و پدر یکی هستیم (یوحنا، باب ۱۰: آیه ۳۰) را دلیلی بر الوهیت مسیح می‌دانند. (مانگر، ۱۳۴۱: ۳۴)

فینلی که از متفکران مسیحیت است، با تصریح به یکتا بودن خداوند و نداشتن زن و فرزند جسمانی، درباره مفهوم پسر خدا بودن مسیح می‌نویسد: مسیح فقط از لحظ جسم از مریم متولد شد و لقب پسر خدا مربوط به تولد او از مریم نیست. این موضوع ما را به یکی از مهم‌ترین اسرار کتاب مقدس می‌رساند و آن این‌که مسیح حتی پیش از آفرینش جهان، از ازل پسر خدا بود. (فینلی، ۱۳۶۰: ۲۴)

او با اشاره به آیاتی مانند خدا در جسم ظاهر شد، (اول تیماتائوس، باب ۳: ۱۶) خدا در مسیح بود، (دوم قرنتیان، باب ۵: ۱۹) مسیح در صورت خدا بود و در شباهت مردمان شد، ادعا می‌کند که کتاب مقدس نیز مسیح را خدا می‌داند. (فیلیپیان، باب ۲: ۵)

این نویسنده با اشاره به این آیه از انجیل متی که می‌گوید پدر همه چیز را به من سپرده است و کسی پسر را نمی‌شناسد به جز پدر، می‌نویسد: عیسی به طور واضح فرموده که ذات پسر خدا جزو اسراری است که هیچ بشری نمی‌تواند بفهمد و به عبارت دیگر، فقط خدا از عمق این سر اطلاع دارد. (متی، باب ۱۱: آیه ۲۷)

با این بیان، او الوهیت مسیح را از محدوده فهم بشر خارج می‌داند و قبول آن را علی‌رغم مخالفتش با عقل و یا حداقل عدم اثبات عقلی، لازم می‌داند.

ویلیام هوردن^۱ یکی دیگر از صاحب‌نظران مسیحی است که درباره کاربرد واژه‌هایی مانند خداوند، سرور، نجات دهنده و پسر یگانه درباره مسیح معتقد است. این اصطلاحات توسط مسیحیان به کار برده شده تا بتوانند این اعتقاد خود را روشن سازند که خدا در مسیح به طرز بی نظیری خود را به بشر مکشوف داشته است. (هوردن، ۱۳۶۸: ۱۰)

بر این اساس و پس از مرگ عیسی، او را مسیح و سپس خداوندگاری ساختند که در ماهیت با خدای خالق برابر است.

در کنار مسیح، شخصیت دیگری به نام روح القدس مطرح می‌گردد که ابتدا دارای ماهیت مستقلی نیست؛ ولی رفته رفته از این عامل نیز یک شخصیت الهی ساخته می‌شود که در کنار خدای پدر به اعمال قدرت می‌پردازد. شخصیت روح القدس کتاب مقدس (عهد عتیق) در کلیسای مسیحیت به کلی متحول گردید. در این رسالات، روح خدا دارای هویت مجزایی نیست و هرگز به صورت یک وجود الهی تظاهر نمی‌نماید؛ بلکه هم‌چون نیرویی که از خدا صادر می‌شود، بر روی انسان‌ها اثر می‌گذارد و اغلب موجب قدرت آنان می‌گردد. انبیا و مردان خدا به وسیله روح القدس دارای نفوذ کلام و نیروی اعجاز می‌شوند و یا قادر به پیشگویی می‌گردند. (آشتیانی، ۱۳۹۰: ۳۳۵)

در کتاب مقدس با عبارات مختلفی از روح القدس یاد شده است:

- اقنوم سوم؛ زیرا سومین اقنوم از اقانیم سه گانه الهی است.
 - روح؛ زیرا مبدع و مخترع حیات است.
 - مقدس؛ یکی از کارهای مخصوص وی این است که قلوب مؤمنین را تقدیس می‌فرماید.
- بر این اساس، روح الله و روح المسیح به دلیل علاقه‌ای که به خدا و مسیح دارد، به این نام خوانده شده است.

در کتاب مقدس ویژگی‌های روح القدس را می‌بینیم که حاکی از این واقعیت است که او از شخصیت واقعی برخوردار است، تعلیم می‌دهد، (لوقا، باب ۱۲: آیه ۱۲؛ یوحنا، باب ۱۴: آیه ۲۶) صحبت می‌کند (متی، باب ۱۰: آیه ۲۰؛ مرقس، باب ۱۳: آیه ۱۱) و هدایت می‌کند (متی، باب ۴: آیه ۱؛ لوقا، باب ۴: آیه ۱) و این ویژگی‌ها را نمی‌توان به یک نیروی مجهول نسبت داد؛ بلکه آن‌ها متعلق به یک شخص هستند. (ساروخاچیکی، ۱۹۸۲: ۵۶)

روح القدس همان حامی حواریون در انتشار ایمان است؛ زیرا او روح حقی است که از پدر نشأت گرفته است. مسیح فرموده است: خیال شما آسوده باشد؛ چون من آن تسلی‌بخش را که روح پاک خداست، به کمک شما می‌فرستم. او سرچشمه همه حقایق است، از طرف پدرم می‌آید و درباره من همه چیز را به شما می‌گوید. (یوحنا، باب ۱۵: آیه ۲۶)

عوامل مؤثر در بسط عقیده به تثلیث

۱. پولس

یکی از افرادی که در ترویج و گسترش دین مسیح نقش به سزایی داشت، فردی به نام پولس است (الشیخ، ۱۴۲۰: ۳۹) که نامه‌های او از نظر اعتبار در کنار اناجیل قرار گرفته و در کتاب مقدس با دو نام پولس به معنای کوچک و شاول به معنای مطلوب از او نام برده می‌شود؛ ولی قبل از آن که به دین مسیح در آید، یکی از یهودیان متعصب بود و مسیحیان را به شدت مورد اذیت و شکنجه قرار می‌داد؛ ولی بعدها بر اثر یک مکاشفه‌ای که خودش نقل می‌کند، به آیین مسیحیت در می‌آید و به نام پولس تغییر می‌دهد.

کتاب مقدس، جریان مکاشفه او را این گونه بیان می‌کند:

پولس هنوز تهدید و بر شاگردان خداوند دمید و نزد رییس کهنه آمد و از او نامه‌ها خواست به سوی کنایسی که در دمشق بود تا اگر کسی از اهل طریقت و مذهب مسیح- خواه مرد و خواه زن- بیابد، ایشان را بند برنهاده به اورشلیم بیاورد و در اثنای راه چون به دمشق رسید، ناگاه نوری از آسمان به دور او درخشید و به زمین او افتاده و آوازی شنید که به او می‌گفت: ای شاول! برای چه به من جفا می‌کنی؟ گفت خداوند! تو کیستی؟ خداوند گفت: من آن عیسی هستم که تو به او جفا می‌کنی؛ لیکن برخاسته به شهر برو که آن جا به تو گفته می‌شود که چه باید کرد. (اعمال رسولان، باب ۹: ۱-۹)

تأثیرات پولس بر مسیحیت آن قدر زیاد بود که جامعه مسیحیت او را دومین مؤسس دین مسیحیت لقب داده‌اند. (ناس، ۱۳۹۲: ۶۱۳)

یکی از ادله تقدیس پولس در جهان مسیحیت این است که افکار و آرای او باعث عالمگیر شدن نصرانی‌ها شد؛ زیرا او اصول و مبادی الاهی خاصی به وجود آورد که آثار روحانی مبادی عیسی را در ضمیر و روح پیروان او ثابت و مستقر ساخت. (همان: ۶۱۴)

هاکس با اشاره به آشنایی پولس به زبان یونانی و تأثیرپذیری او از فلاسفه یونان می‌نویسد:
با رجوع به مراسلات پولس که انجیل پولس را بازگو می‌کند؛ دریافت می‌شود که آرای پولس به تثلیث یونانی و اندیشه‌های فیلون، فیلسوفی که بیست سال قبل از مسیح متولد شده، نزدیک است. (هاکس، ۱۳۹۴: ۲۳۰)

برخی محققان بر این عقیده‌اند که شاگردان نخستین مسیح که از نزدیک او را شناخته بودند، از عقیده تثلیث دور بودند؛ مثلاً پطرس^۱ حواری، مسیح را فقط مردی می‌دانست که به او وحی می‌شد؛ ولی پولس با عقیده شاگردان نخستین مسیح مخالفت کرد و معتقد بود مسیح از انسان بالاتر بوده و نمونه‌ای از انسان تازه‌ای است که از خدا متولد شده است. (وجدی، ۱۹۶۷: ماده ثالث)
در ادامه نمونه‌هایی از سخنان پولس که بیان‌گر دیدگاه‌های اوست و تأثیر مهمی در گسترش تثلیث داشته است، بیان می‌گردد:

- مسیح موجودی آسمانی است که طبیعت و ذاتی الهی دارد؛ ولی خود را تنازل داده، صورت و پیکر انسانی را قبول کرده و از آسمان فرود آمده است. (ناس، ۱۳۹۲: ۶۱۴)
- مسیح به حسب جسم از نسل داود متولد شد و به حسب روح قدوسی پسر خدا، به قوت معروف گردید. (رومیان، باب ۱: ۳)
- مسیح خداوندگاری است که لعنت می‌شود تا مؤمنین را از تحت لعنت بیرون کشد. (غلاتیان، باب ۳: ۱۰)
- مسیح از ازل دارای الوهیت بود؛ ولی این را غنیمت نشمرد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند، بلکه خود را از تمام مزایای آن محروم کرد و به صورت یک غلام درآمد و شبیه انسان شد. (فیلیپیان، فصل ۲: شماره ۶-۷)

۲. آرای فلوطین

برخی دانشمندان معاصر از تأثیر آرای فلوطین در عقاید مسیحیان سخن می‌گویند؛ از جمله یاسپرس که می‌نویسد: اقلیم سه‌گانه فلوطین در معنای واحد، عقل و روح جهان، جای خود را به اقلیم سه‌گانه دین مسیح داد و روابط اقلیم سه‌گانه مسیحی با یکدیگر و اندیشه آفرینش جهان، جای اندیشه فیضان واحد فلوطینی را گرفت.

۳. فلسفه یونان و شرق

گوستاو لوبون^۱ جامعه‌شناس فرانسوی در خصوص تأثیر مسیحیت در عقیده تثلیث از فلسفه یونان و شرق می‌نویسد: مسیحیت در پنج قرن اول حیات خود با جذب عوامل فلسفی و مذهبی و یونانی و شرقی به‌طور و پیشرفت خود ادامه داد و به همین ترتیب مخلوطی از معتقدات شرقی مخصوصاً مصری و ایرانی که در حوالی قرن اول میلادی در سرزمین‌های اروپایی انتشار یافته بود، گردید و بر این اساس، مردم تثلیث تازه‌ای را به نام پدر، پسر و روح القدس به جای تثلیث قدیمی نروپیترا، ژنون و نرو پذیرفتند. (سبحانی، ۱۳۷۵: ۳۸)

۴. تقلید از مشرکان

ولتر^۲ نویسنده فرانسوی معتقد است عیسویان تا سه قرن بعد از مسیح نیز به الوهیت او ایمان کامل نداشتند و این عقیده به تدریج حاصل شد که این بنا به تقلید از مشرکینی که موجودات فانی را ستایش می‌کردند، بر پاگشت.

۵. ویژگی مسیح در آفرینش

از جمله مسائلی که زمینه‌ساز قبول ایده الوهیت مسیح بود، آفرینش خاص حضرت است که بدون پدری انسانی صورت گرفت. قرآن کریم این مسئله را به صورت نقضی و چنین پاسخ داده است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ (آل عمران، ۵۹) مثل عیسی نزد خدا هم‌چون مثل آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او گفت باش، پس وجود یافت.

۶. گروه‌های مسیحی و تثلیث

با توجه به آیات ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره مائده که خداوند از حضرت عیسی علیه السلام به صورت استفهام انکاری می‌پرسد که آیا او به مردم دستور داده است که خود و مادرش را دو خدا قرار دهند، می‌توان فهمید مسئله الوهیت مسیح در زمان خود و آن حضرت نیز بین مردم مطرح بوده است. به‌طور کلی، در برابر مسئله تثلیث مسیحیان به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند که آن‌ها را پیروان تابش، پیروان ظهور و قائلان به امتزاج می‌نامند:

1. Gustave Le Bon
2. Voltaire

- فرقه‌ای که مسئله اصلی آنان این است که اگر مسیح خدای واقعی است، چگونه ممکن است انسان واقعی هم باشد، پیروان تابش نامیده می‌شوند که معتقدند همان‌طور که نور می‌تابد و مراتب مختلف روشنایی دارد، خدا نیز در مراتب مختلف تجلی خود به صورت مسیح و روح القدس ظاهر شد؛ پس مسیح، در مرحله نازل‌تری خداست و روح القدس نیز روح خدا در مرتبه دیگری است.

- گروه دیگری که قائلند طبیعت لاهوتی مسیح به گونه‌ای با طبیعت ناسوتی او در هم آمیخته و یکی شده است، پیروان ظهور هستند.

گروهی نیز به امتزاج «اب»، «ابن» و «روح القدس» معتقدند و قائلند روح و جسم با هم مخلوط شده است.

توجیحات در پذیرش تثلیث و مخالفین آن

آن دسته از دانشمندان مسیحی که تثلیث را پذیرفته‌اند، برای آن توجیحات گوناگونی بیان کرده‌اند؛ از جمله آگوستین^۱ که کتابی درباره تثلیث با عنوان «درباره اقا نیم سه‌گانه» نوشته شده است. کارل یاسپرس^۲ دیدگاه آگوستین را این‌گونه بیان می‌کند: آگوستین یک نکته را هیچ‌گاه از یاد نمی‌برد و بارها با اصرار تمام به زبان می‌آورد؛ این‌که خدا در اندیشه و زبان نمی‌گنجد، یگانه است، هیچ تصویری نمی‌تواند به او برسد و هر اندیشه و پنداری درباره او نادرست است. راز اقا نیم سه‌گانه نیز تنها بر وحی و کتاب مقدس مبتنی است. (یاسپرس، ۱۳۶۳: ۷۵)

توماس آکویناس^۳ که از قدیسان مسیحی است در کتاب خود بر رد فرقه‌های گمراهی ذات الهی را در نهایت بساطت و وحدت معرفی می‌کند؛ (راسل، ۱۳۹۰: ۸۴۷) اما در عین حال، تثلیث را می‌پذیرد. این متکلم مسیحی با زیر پا گذاردن بدیهی‌ترین احکام عقلی، اجتماع نقیضین را جایز می‌داند.

برتراند راسل^۴ عقیده او را در این باره، چنین نقل می‌کند:

-
1. Augustine of Hippo
 2. Karl Jaspers
 3. Saint Thomas Aquinas
 4. Bertrand Russell

عقل طبیعی در امور الهی قاصر است. این عقل می‌تواند جزئی از دین را اثبات کند؛ ولی بر اثبات سایر اجزای آن قادر نیست. عقل می‌تواند وجود خدا و بقای روح را اثبات کند؛ اما اثبات تثلیث و حلول و روز داوری از او ساخته نیست. (همان: ۸۴۵)

در یک جمع‌بندی، می‌توان گفت بسیاری دیگر از دانشمندان مسیحی هم چون کارل فندر^۱ نیز با وجود این‌که قرن‌ها از پیدایش عقیده تثلیث می‌گذرد؛ هنوز نتوانسته‌اند برای آن دلیلی عقلی بیابند، بلکه صرفاً به برخی عبارات کتاب مقدس در این باره تمسک می‌کنند.

از طرف دیگر و در دنیای مسیحیت، اندیشه‌ورانی وجود دارند که با تثلیث مخالفند و در راه اصلاح آن تلاش می‌کردند؛ از جمله این افراد آرتمون^۲ بود که به عده‌ای از پیروانش تعلیم می‌داد که مسیح فقط یک انسان است که بیش از سایرین بخشش روح القدس را یافته است. فهم این اعتقاد اشکالی نداشت؛ ولی چون منکر الوهیت مسیح شد، کلیسا آن را قبول نکرد.

سایبلوس^۳ نیز معتقد است: خدا اول خود را چون پدر و بعد چون پسر و بالاخره چون روح القدس کشف فرمود و بنابراین پدر و پسر و روح القدس سه اقنوم نبودند که با هم از ازل در یک ذات الهی وجود داشته باشند؛ بلکه سه شکل و یا سه اسم بودند که خدا خود را به وسیله آنان ظاهر فرمود و شناسانید. این عقیده موافق وحدانیت ابدی خداست و منکر فرزندی ازلی و ابدی مسیح به شمار می‌رود. مطابق با این رویکرد، مسیحیان محتاج نجات دهنده‌ای بودند که نه فقط مظهر پاینده قدرت خدا باشد؛ بلکه خود نیز زنده و تا ابد پاینده باشد که البته این اعتقاد توسط کلیسا رد شد. (میلر، ۱۳۸۲: ۲۰۱)

ویل دورانت^۴ نیز بر این باور است که مسیحیت کنونی، بسیاری از اعتقادات خویش به ویژه در باب الاهیات را از افکار الحادی و مشرکانه آن دوران گرفته است؛ معتقداتی که پس از مسیح و از سوی برخی حواریون و رسولان هم چون پولس فراهم آمد، نه تنها شرک را از میان نبرد؛ بلکه آن را در خود پناه داد و موجب حیات آن شد. (دورانت، ۱۳۹۱، ج ۴: ۶۹۶)

-
1. Karl Fender
 2. Artemon
 3. Sabilos
 4. Will Durant

توحید و تثلیث در کتاب مقدس

در اناجیل عباراتی وجود دارد که برخی از آن‌ها بر توحید و برخی دیگر بر تثلیث دلالت دارد؛ از جمله نقل این روایت که از مسیح سؤال شد: مهم‌ترین دستور خدا چیست؟ جواب داد: آن دستور که می‌گوید: ای قوم بنی اسرائیل! گوش کنید، تنها خدایی که وجود دارد خدای ماست و باید او را با تمام قاب و جان و فکر و نیروی خود دوست بداری. سائل گفت: استاد کاملاً درست فرمودید، فقط یک خدا وجود دارد و غیر از او خدای دیگری نیست. (مرقس، باب ۱۱۲: آیه ۳۴-۲۸)

از دیگر مواردی که در کتاب مقدس به توحید خداوند تصریح شده است، این مواردند:

- حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسد. (یوحنا، باب ۱۷: ۳)

- ای اسرائیل! بشنو خداوند، خدای تو یکی است و خدای دیگری نیست. (مرقس، باب ۲: ۲۹)

در مقابل، عباراتی از مسیح نقل شده که حمل بر تثلیث شده است؛ این که مسیح در اواخر حیات خود به شاگردانش فرمود: تمام اختیارات آسمان‌ها و زمین به من داده شده، پس بروید و تمام ملت‌ها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم «آب»، «این» و «روح القدس» غسل تعمید بدهید و به شاگردان تازه آموزش دهید که تمام دستوراتی را که به شما دادم، اطاعت کنند. مطمئن باشید هر کجا بروید، من همیشه با شما هستم. (متی، باب ۲۸: آیه ۲۰-۱۸)

جملاتی هم چون من و پدر یکی هستیم و پدر در من است و من در پدر (یوحنا، باب ۱۰: آیه ۴۰ و ۲۲؛ همان، باب ۱۴: آیه ۳) و آنچه در انجیل یوحنا آمده، مستمسکی برای قائلان به تثلیث است؛ این که کسانی در آسمان شهادت و گواهی می‌دهند که سه نفر هستند: پدر، کلمه و روح القدس و این سه نفر، یکی هستند. (یوحنا، باب ۵: ۷)

اشکالات عقیده تثلیث

۱. مخالفت با حکم عقل

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان برای تثلیث سه فرض تصور کرد:

- وحدت حقیقی و کثرت اعتباری؛ این احتمال با توحید سازگار است، ولی مسیحیان آن را نمی‌پذیرند.

- کثرت حقیقی و وحدت اعتباری؛ این احتمال مستلزم شرک است.

- هم کثرت حقیقی هم وحدت حقیقی؛ این فرض مستلزم تناقض است، زیرا مفهوم وحدت و کثرت دو مفهوم متناقض هستند و جمع این دو در مصداق واحد با ملاحظه شرایط تناقض، محال است.

همان‌گونه که علامه طباطبایی تصریح کرده‌اند، جمع بین وحدت حقیقیه و کثرت حقیقیه، اگر جنس کثرت و وحدت یکی باشد و مثلاً هر دو قسم وحدت شخصیه یا نوعیه و یا جنسیه باشد، از محالات است. (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۳۵)

به بیان دیگر، اگر معتقدان به تثلیث حاضر بودند یگانگی خدا را مجازی بدانند و تثلیث را حقیقی و یا تثلیث را مجازی و توحید را حقیقی تلقی می‌کردند، مسئله ساده بود؛ ولی عجیب این است که هر دو را حقیقی می‌دانند. در این صورت است که با مسئله‌ای غیر معقول روبرو می‌شوند؛ زیرا معادله $3=1$ برای کسی پذیرفتنی نیست؛ به همین دلیل است که قائلند تثلیث را نباید با معیار عقل پذیرفت، بلکه با معیار تعبد و دل باید به آن ملتزم شد. به دنبال این‌گونه مسائل است که جدایی و بیگانگی علم و دین در منطق مسیحی، معقول و مقبول قرار می‌گیرد.

۲. مخالفت با تعالیم اناجیل

در برخی اناجیل، عباراتی وجود دارد که از آن تثلیث برداشت می‌شود؛ ولی با مراجعه به مجموع آیات و تعالیم این کتاب مقدس می‌توان خلاف آن را دریافت.

بر این اساس، شهادت دادن مسیح بر تواضعش نسبت به خداوند، (متی، باب ۱۱: ۲۷) عدم اطلاع او از زمان برپایی قیامت (متی، باب ۲۴: ۳۷) و بزرگتر بودن پدر از پسر (یوحنا: ۱۴: ۲۸) از جمله تعالیمی است که نافی تثلیث است.

در عهد جدید نیز تصریح شده است که مؤمنان فرزندان خدایند؛ (متی، باب ۵: ۹؛ لوقا، باب ۲۰: ۳۶) این‌گونه تعابیر مجازی است، ولی مسیحیان آن را درباره مسیح، حقیقی دانسته و درباره دیگر مؤمنان، مجازی می‌دانند.

۳. مخالفت با سخنان مسیح

مسیح برای این‌که هر گونه ابهامی را درباره عبودیت خود برطرف سازد، بارها بر بندگی خود تأکید کرده است که در قرآن کریم مواردی از آن آمده است؛ از جمله دو آیه زیر:

- «وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛
(زخرف، ۶۴-۶۳)

و چون عیسی دلایل آشکار آورد، گفت برای شما حکمت آوردم تا درباره بعضی از آن چه در آن اختلاف می‌کردید، توضیح دهم. پس، از خدا بترسید و فرمانم بپسندید. خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید. این است راه راست.

- «لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا»؛ (نساء، ۱۷۲) مسیح از این که بنده خدا باشد، هرگز ابا نمی‌ورزد و فرشتگان مقرب و هر کس از پرستش او امتناع ورزد و بزرگی فروشد، به زودی همه آنان را به سوی خود گرد می‌آورد.

۴. مخالفت با قرآن کریم

قرآن کریم مسیحیان را به دلیل سه‌گانه پرستی مورد مذمت قرار داده و به آن‌ها نسبت کفر داده است (ر. ک: مائده، ۷۳) و با بیان برخی ویژگی‌های انسانی مسیح، الوهیت او را نفی کرده است. خداوند متعال از تثلیث با عنوان غلو نام برده و از اهل کتاب می‌خواهد که درباره خداوند غیر از حق نگویند که در آیات زیر به برخی توصیفات قرآنی در این موضوع پرداخته می‌شود:

- «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نَبَّيْنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ»؛ (مائده، ۷۵) مسیح پسر مریم فقط پیامبر خدا بود، قبل از او نیز پیامبران دیگری بودند. مادرش نیز زنی بسیار راستگو و درست کردار بود. هر دو غذا می‌خوردند. بنگر چگونه دلایل و شواهد را برای آنان آشکار می‌کنیم، باز بنگر که چگونه آنان از حق منحرف و دگرگون می‌شوند؟

- «قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ (مائده، ۷۶) بگو آیا جز خدا کسی را می‌پرستید که مالک سود و زیان شما نیست و خدا شنوای داناست.

- «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا

فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»؛ (نساء، ۱۷۱) ای اهل کتاب! در دین خود اندازه نگه دارید و درباره خدا جز به راستی سخن نگوئید. در حق مسیح عیسی بن مریم جز این نشاید گفت که او رسول خداست و کلمه الهی است که به مریم فرستاده و روحی از عالم الوهیت است، پس به خدا و همه فرستادگانش ایمان آورید و به تثلیث قائل نشوید. از این گفتار شرک باز ایستید که برای شما بهتر است، جز خدای یکتا خدایی نیست و منزّه و برتر از آن است که او را فرزندی باشد، هر چه در آسمان و زمین است همه ملک او است و خدا تنها به نگهبانی کافی است.

نتیجه آن که اگر هر آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداوند متعال است؛ پس خدای دیگری باقی نمی ماند که بخواهد در کنار این خدا قرار گیرد.

نسب مسیح

آخرین بخش این مقاله، بررسی نسب حضرت عیسی علیه السلام است که با تعبیر مختلفی یاد شده است و برخی از این تعبیر به نسب او اشاره دارد. به طور کلی، آنچه در متون مقدس به عنوان نسب برای مسیح بیان می شود، نمی تواند با الوهیت او سازگاری داشته باشد که در سه عرصه مورد بررسی و واکاوی قرار می گیرد.

۱. اناجیل

نسب مسیح در اناجیل به صورت های مختلفی بیان شده است:

- پسر داود؛ بیماران برای شفا گرفتن، مسیح را به این نام می خواندند (متی، باب ۹: ۲۷) و همه مردم اقرار می کردند که مسیح پسر داود است. (متی، باب ۱۲: ۲۳؛ همان، باب ۱۵: ۲۲)
- پسر یوسف؛ یوسف در برخی اناجیل به عنوان نامزد و یا همسر مریم معرفی شده است؛ (متی، باب ۲: ۱۱) هر چند برخی اناجیل پسر یوسف بودن را با تردید بیان می کنند، (لوقا: ۳: ۲۳) ولی برخی دیگر این نسبت را با صراحت نقل می کنند. (متی، باب ۱: ۲۳؛ باب ۲۰: ۱۶؛ یوحنا: باب ۱: ۴۵؛ همان، باب ۶: ۴۲)
- پسر مریم؛ اناجیل درباره مادر مسیح اتفاق نظر دارند. ماجرای نزول فرشته (روح القدس) بر مریم و باردار شدن او و حالی که عذرا بود را بیشتر اناجیل نقل کرده اند. (متی، باب ۱: ۱۸؛ لوقا، باب ۱: ۳۵؛ همان، باب ۲: ۵)

- پسر انسان؛ این تعبیر بیشترین وصفی است که مسیح درباره خود به کار برده است. (متی، باب ۸: ۲۰؛ مرقس، باب ۲: ۲۸؛ لوقا، باب ۶: ۵)
- پسر خدا؛ این نسبت نیز مورد اتفاق اناجیل است. (متی، باب ۴: ۳؛ لوقا، باب ۱: ۳۵؛ مرقس، باب ۱: ۱؛ یوحنا، باب ۱: ۳۴) شارحان کتاب مقدس پسر خدا بودن مسیح را سری از اسرار خدا می دانند. (مقدمه کتاب مقدس: ۱۲۱)
- هشدار مسیح نسبت به تحریف؛ پس کلام خدا را به تقلیدی که خود جاری ساخته‌اید، باطل می‌سازید و کارهای بسیار مثل این می‌آورد. (مرقس، باب ۷: ۱۳)

۲. رسائل پولس

این بخش از کتاب مقدس کمتر از اناجیل به بیان نسب مسیح پرداخته است. در نامه‌های پولس، مسیح فرزند انسان خوانده می‌شود؛ ولی بر فرزند خدا بودن او تکیه بیشتری شده است. مسیح در این مجموعه هم جنبه الهی و هم جنبه انسانی خود را حفظ کرده است؛ (نامه به رومیان، باب ۱: ۴-۱؛ عبرانیان، باب ۲: ۵) البته در برخی عبارات، پولس مسیح به عنوان خدا معرفی شده است و به این صورت توصیف می‌شود: پدران از بنی اسرائیل هستند و از ایشان، مسیح به حسب جسم شد که فوق مه است، خدای متبارک تا ابد الابد. (نامه به رومیان، باب ۹: ۵)

۳. قرآن کریم و روایات

آیات و روایات فراوانی، مسیح را فرزند مریم معرفی می‌کنند. قرآن کریم حضرت عیسی علیه السلام را کلمه خدا، روحی از جانب خداوند و رسول الله معرفی می‌کند. (ر. ک: نساء، ۱۷۱؛ مائده، ۵۷) تعبیر فرزند خدا در ادبیات اسلامی از منفورترین تعابیر است و در متون دینی رد شده است. از آیات قرآنی برداشت می‌شود که در شبه جزیره عربستان، گروهی از مسیحیان به الوهیت مریم معتقد بودند و قرآن کریم این مسئله را باطل می‌داند و با به کار بردن تعبیر عیسی بن مریم، در آیات فراوانی توهم الوهیت مسیح و مادرش را نفی می‌کند؛ از جمله آیه زیر:

«وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ فَعَلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»؛ (مائده، ۱۱۶)

و آن‌گاه خدا به عیسی بن مریم می‌فرماید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟ او می‌گوید پروردگارا! منزهی تو، من حق ندارم آن‌چه را که

سزاوار من نیست بر زبان آورم. اگر چنین گفته باشم، تو خود می‌دانی، تو از آن چه در نهاد من است بهتر آگاهی، ولی من از آن چه در ذات مقدس توست، آگاه نیستم. تو خود از تمام اسرار نهان آگاهی.

نتیجه‌گیری

مراجعه به منابع معتبر تاریخی و برهان‌های قطعی عقلی، شاهدی بر عدم صحت عقیده تثلیث است. توجیهاتی که صاحب‌نظران مسیحی برای پذیرش تثلیث ارائه داده‌اند نیز با مشکلات جدی روبروست.

قرآن کریم به صراحت با این مسئله مخالفت کرده است و آن را جزو تحریفاتی می‌داند که در اعتقادات مسیحیان رخ داده است. امروزه بسیاری از دانشمندان که برخی از آن‌ها نیز به مسیحیت اعتقاد دارند، به مطالعه انتقادی اعتقادات مسیحیان پرداخته‌اند، نیز به غیر معقول بودن عقیده تثلیث اعتراف کرده‌اند که در یافته‌های پژوهش حاضر به برخی قرائن و ادله این مسئله اشاره شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس.
 - اعمال رسولان
 - رساله اول تیماتائوس
 - دوم قرنتیان
 - رومیان
 - غلاتیان
 - فیلیپیان
 - لوقا
 - متی
 - مرقس
 - مزامیر
 - یوحنا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- 30) / Journal of PURE LIFE, Vol. 7, No. 24 (Rajab 1442. Esfand 1399. March 2021)
۳. آشتیانی، جلال الدین (۱۳۹۰). تحقیقی در دین مسیح. چاپ ۳. تهران: انتشارات نگارش.
 ۴. آل اسحاق خوئینی، علی (۱۴۰۵). آشنایی با مکتب وحی مسیحیت. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۵. دورانت، ویل (۱۳۷۶). تاریخ تمدن، عصر ایمان. ترجمه ابوالقاسم طاهری، ابوالقاسم پاینده و ابوطالب صارمی. تهران: انتشارات
 ۶. راسل، برتراند (۱۳۹۱). تاریخ فلسفه غرب. ترجمه نجف دریابندری. چاپ ۱۴. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۷. رشید رضا، محمد (۱۳۹۳). تفسیر القرآن العظیم (المنار). بیروت: دار المعرفة.
 ۸. ساروخاچیکی (۱۹۸۲). اصول مسیحیت. چاپ ۲. تهران: نشر حیات ابدی.
 ۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۵). راه خداشناسی و شناخت صفات او. قم: انتشارات مکتب اسلام.
 ۱۰. شاله، فلیسین (۱۳۴۶). تاریخ مختصر ادیان بزرگ. ترجمه منوچهر خدایار محبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۱. شهرستانی، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم (۱۳۳۵). الملل والنحل. ترجمه افضل الدین صدر. تهران: انتشارات تابان.
 ۱۲. الشیخ، علی (۱۴۲۰). هبة السماء رحلتي من المسيحية إلى الإسلام. قم: دار الصادقین.
 ۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۵). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ ۷. قم: دار الکتب الإسلامیه.
 ۱۴. فضایی، یوسف (۱۳۶۱). سیر تحولی دین های یهود و مسیح. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
 ۱۵. فیلی. جیمز (۱۳۶۰). در جستجوی حقیقت. ترجمه میکائیلیان. چاپ ۴. تهران: نشر حیات ابدی.
 ۱۶. کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۳). توضیح درباره انجیل و مسیح. ترجمه سید هادی خسروشاهی. قم: دار التبلیغ الإسلامی.
 ۱۷. مانگر، رابرت بوید (۱۳۴۱). عیسی چه می گوید. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: نشر نور جهان.
 ۱۸. مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۷۶). تاریخ ادیان و مذاهب جهان. قم: نشر حر.
 ۱۹. مولند، اینار (۱۳۸۸). جهان مسیحیت. ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری. چاپ ۳. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۲۰. میلر، ویلیام (۱۳۸۲). تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم. ترجمه علی نخستین. تهران: انتشارات اساطیر.
 ۲۱. میلر، ویلیام (۱۹۸۱). مسیحیت چیست. ترجمه کمال مشیری. تهران: نشر حیات ابدی.
 ۲۲. ناس، جان بی (۱۳۹۲). تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت. چاپ ۱۲. تهران: انتشارات شرکت علمی و فرهنگی.

۲۳. نوذری، عزت الله (۱۳۷۵). مسیحیت از آغاز تا عصر روشنفکری. تهران: انتشارات مرنديز.
۲۴. نوری، یحیی (۱۳۶۳). شناخت تحلیلی اسلام و برخی مسلک‌ها و ادیان؛ مانند یهود، مسیحیت، زردشتی... تهران: مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۲۵. وجدی، محمد فرید (۱۹۶۷). دایرة المعارف قرن رابع عشر والعشرين. بیروت: دار المعرفة.
۲۶. هاکس، جیمز (۱۳۹۴). قاموس کتاب مقدس. چاپ ۳. تهران: انتشارات اساطیر.
۲۷. هوردن، ویلیام (۱۳۶۸). راهنمای الهیات پروتستان. ترجمه میکائیلیان. تهران: انتشارات شرکت علمی و فرهنگی.
۲۸. هیوم، رابرت ارنست (۱۳۹۱). ادیان زنده جهان. ترجمه عبدالرحیم گواهی. چاپ ۱۹. تهران: انتشارات علم.
۲۹. یاسپرس، کارل (۱۳۶۳). آگوستین. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: انتشارات خوارزمی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی